

برای عبدالکریم سروش! (تا شاید بیاموزد)

پرویز دستمالچی



حسین حاج فرج دباغ، معروف به عبدالکریم سروش اخیرا در سخنرانی* خود به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی در کالیفرنیا از جمله چنین گفته است: "... اگر فرض کنیم هیچ اختیاری نداشته باشیم جز اینکه یا شاه را انتخاب کنیم یا آقای خمینی را، بنده صد در صد آقای خمینی را انتخاب می‌کنم... گفت چرا؟ گفتم، ها این چرایش را برای شما می‌گم... خمینی با سوادترین رهبر این کشور بوده است تا کنون... هیچ کس به لحاظ علمی به پای او نمی‌رسید، چرا؟ برای اینکه خمینی اولاً فقیه درجه اولی بود، عرفان هم خوانده بود، فلسفه هم خوانده بود... در تاریخ ما آقای خمینی واقعا یک نمونه بی‌نظیر بوده است در مقام حکومتداری...".

به بسیاری از سخنان نادرست و بی‌جای ایشان در این سخنرانی کاری ندارم. اما، اینکه هیچ کس به لحاظ "علمی" به پای خمینی نمی‌رسد یا اینکه او در حکومتداری "بی‌نظیر" بوده است، انگیزه‌ای شد تا نگاهی کوتاه و عاجل به برخی از اندیشه‌های رهبر و اندیشمند بزرگ و "بی‌نظیر" سروش بیاندازم. زیرا با شناخت این اندیشه‌ها می‌توان دقیق‌تر حدس زد که خود عبدالکریم سروش چه می‌اندیشد و چه می‌خواهد. او همواره از پیروان و مقلدان خمینی و ولایت فقیه بود و به نظر می‌آید که هنوز هم هست.

برای اینکار مهمترین اثر از آثار فقهی-عرفانی-فلسفی خمینی، یعنی کتاب "توضیح المسائل مرجع مجاهد، زعیم اکبر، قائد اعظم، موسی زمان، در هم کوبنده ستمگران، بت شکن عصر، منجی نسل، حضرت آیت الله العظمی الامام روح الله موسوی خمینی، ارواحنا فدا" (۱) را انتخاب کردم. کتاب "توضیح المسائل" خمینی دارای ۵۴۷ برگ و پاسخ به ۲۸۸۹ مسئله است که از احکام تقلید شروع و با ملحقات پایان می‌یابد. از احکام خنده دار تا شرم آور، از احکام سراسر تبعض آمیز تا جنایت بار. از تجاوز به کودکان تا بی‌حقوقی کامل زنان یا کافران (دگراندیشان)، از دستورات بی‌معنای نوشیدن ایستاده آب در روز تا دستورات دخول به "مستراح" با پای چپ و نوع خروج از آن با پای راست، از راه و رسم بول (ادرار) تا غائط (مدفوع)، از حیض (خونریزی ماهیانه زنان) تا شرایط شیردادن بچه، از همخوابگی با حیوانات تا با

کودکان، از دستور العمل برای بریدن سر حیوانات تا حکم قتل مرتدان ... و سروش نام چنین مجموعه ای را گذاشته است "علم".

توضیح المسائل " این چنین شروع می شود: " مسلمان باید با اصول دین یقین داشته باشد و در احکام دین باید یا مجتهد " باشد که بتواند احکام را از روی دلیل بدست آورد، یا از مجتهد تقلید کند، یعنی بدستور او رفتار نماید... کسانی که مجتهد نیستند و نمیتوانند با احتیاط عمل کنند واجب است از مجتهد تقلید نمایند(مسئله ۱)... تقلید در احکام عمل کردن بدستور مجتهد است و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد... باید از مجتهدی تقلید کرد... که اعلم باشد(مسئله ۲)... به دست آوردن فتوی یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد... چهارم دیدن در رساله مجتهد"(مسئله ۵). پس "رساله" خمینی عین دستورات (فتوای) او برای زندگی مسلمانان و عین احکام اسلامی است و فرد مسلمان می باید طبق آنها عمل کند. در اینجا (فعلا) به مواردی چون مرد بودن، شیعه دوازده امامی بودن، حلال زاده و حرامزاده بودن و... و سخنانی این چنین که تماما تبعیضگرایانه اند، کاری ندارم و نیز لازم می دانم از پیش از خواننده محترم به دلیل بیان مطالبی بسیار زشت و زننده و بسیار سطحی و عامیانه پوزش بخواهم. اما چاره چیست، مطالبی است که "رهبر" سروش بیان کرده، رهبر و اندیشمندی که گویا در تاریخ ایران و بعضا جهان (تا آنجا که او اطلاع دارد) "بی نظیر" است.

در احکام خوردن و آشامیدن: "... خوردن سرگین (فضله چهارپایان، از قبیل اسب و الاغ، فرهنگ عمید) و آب دماغ حرام است... خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای شفا... اشکال ندارد... فرو بردن آب بینی و خلط سینه که در دهن آمده حرام نیست (م. ۲۶۲۹)... خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است... خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است و اگر کسی با آنها وطی کند یعنی نزدیکی(جنسی، پ.د.) نماید، حرام میشوند و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند... اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند بول و سرگین آنها نجس میشود و آشامیدن شیر آنها هم حرام است و باید بدون آنکه تاخیر بیافتد آن حیوان را بکشند و بسوزانند و کسیکه وطی کرده پول آن را بصاحبش بدهد" (از م. ۲۶۲۷ تا ۲۶۳۲).

من نمی دانم که این "عالم و فیلسوف و عارف" با چه کسانی سر و کار داشته است که باید به آنها بگوید سرگین حیوانات و آب دماغ خود را نخورند یا اگر چیزی به آنها ضرر و زیان می رساند برایشان حرام است. آیا شما در اروپا یا در میان سایر ملل اندیشمند یا فیلسوفی را می شناسید که در باره چنین مسائلی "فلسفه بافی" کند؟ آیا فردی که دارای عقل معمولی متعارف و متوسطی باشد اصولا دست به چنین کارهایی می زند؟ آیا اگر شما اندکی هوش و عقل داشته باشید، واقعا فیلسوف یا عالم باشید، خود را سرگرم چنین اموری می کنید؟ به علاوه، منطقی را که اصولا نمی شود نمی فهمید این امر ساده است که اگر کسی به حیوانی "تجاوز" کرد، چرا حیوان زبان بسته مجازات شود، گناه او چه بوده است؟ چرا باید حیوان را به ده دیگر ببرند و بفروشند یا فوراً آن را بسوزانند یا بکشند؟ از نگاه علمی چه اتفاقی می افتد که شیر حیوان حرام می شود؟ آیا شما "روشنفکری" را در اروپا یا در میان سایر ملل، آن هم در سده بیست و یک، می شناسید که به چنین چرندیاتی بگوید "علم"؟

هنگام غذا خوردن: "... در اول غذا بسم الله بگوید... با دست راست غذا بخورد... با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد... از غذای جلوی خودش بخورد... لقمه را کوچک بردارد... انگشتها را بلیسد... آنچه بیرون سفره می ریزد جمع کند و بخورد... بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد... و اول غذا و آخر

آن نمک بخورد... و چند چیز در غذا خوردن مکروه است... خوردن غذای داغ... فوت کردن چیزی که میخورد یا میاشامد... پاره کردن نان با کارد... گذاشتن نان زیر ظرف غذا... پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده... و در آشپیدن آب چند چیز مستحب است: ... آبرو بطور مکیدن بیاشامد... در روز ایستاده آب بخورد... به سه نفس آب بیاشامد... از روی میل آب بیاشامد... بعد از آشامیدن آب قاتلان... حضرت ابا عبدالله را لعنت کند (یعنی اهل سنت را، پ.د.)... آشامیدن آب با دست چپ و همچنین از جای شکسته کوزه و جایی که دسته آنست مکروه میباشد... " (از مسئله ۲۶۳۶ تا ۲۶۳۹). این دستورات به درد چه کسی می خورد؟ این آموزش ها حتا در سطح تربیتی کودکان هم نیست؟ اگر کسی در روز نشسته آب بخورد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و...؟! آیا اینها علوم هستند؟

در احکام تخلی (ادرار و مدفوع): "... واجب است که انسان وقت تخلی و مواقع دیگر عورت خود را از کسانی که مکلفند... بپوشاند... مثلا با دست کفایت... موقع تخلی جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو بقبله و پشت به قبله نباشد... مخرج بول (ادرار) با غیر آب پاک نمی شود... اگر مخرج غائط (مدفوع) را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند... لازم نیست با سه سنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کنند، بلکه با اطراف یک سنگ یا یک پارچه کافی است... موقع وارد شدن بمکان تخلی اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارند... سر را بپوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازند... حرف زدن در حال تخلی مکروه است، اما اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید اشکال ندارد، و..." (مسئله ۵۷ تا ۸۲). آیا این سخنان "عالمانه و عارفانه و فیلسوفانه" خجالت آور نیستند؟

جنابت: "بدو چیز انسان جنب میشود: اول جماع. دوم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار... اگر انسان جماع کند و باندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قبل (جلو) باشد یا در دبر (عقب)، بالغ باشند یا نابالغ، اگر چه منی بیرون نیاید هر دو جنب میشوند... اگر شک کند که بمقدار ختنه گاه داخل شده یا نه غسل بر او واجب نیست... اگر نعوذ بالله با حیوانی وطی کند یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها کافی است، و..." (مسئله ۳۴۵ تا ۳۵۶). آیا نام چنین سخنانی "پورنوگرافی مبتذل" نیست؟

احکام حیض: "... حیض خونی است که غالبا در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج میشود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض میگویند... زندهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه میشوند یعنی خون حیض نمی بینند و زنهائیکه سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند... چند چیز بر حائض حرام است... سوم جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه بمقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آنستکه مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و در دبر زن حائض وطی کردن کراهت شدید دارد... وطی در دبر (پشت، مقعد، فرهنگ عمید) زن حائض کفاره ندارد... اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی بگمان اینکه عیال خود او است جماع کند، احتیاط واجب آنستکه کفاره دهد، و..." (مسئله ۳۹۲ تا ۵۰۷). چرا و بر اساس کدام دلایل علمی- بیولوژیکی زن سیده (از خاندان پیامبر) ده سال دیرتر از زنانی که از خاندان محمد نیستند یائسه می شود؟ این چگونه روابطی است که مردی با زنی همبستر می شود و نمی داند که آیا همسر او است یا نه؟ چرا "ختنه گاه" معیار سنجش حرام و حلال یا درستی از نادرستی است؟ در توضیح المسائل ایشان همه چیز یافت می شود: از نوع آشامیدن آب تا "اماله کردن، از غسل "میت" تا همخوابگی با زنی که "انسان نداند همسرش است یا نه"، از نگاه کردن به "عورت میت" و حرام بودن آن تا همخوابگی با کودکان و لذت جنسی بردن از شیرخوارگان. آیا اینها علوم هستند؟

در باره نماز و روزه، احکام آنها، انواع آنها، نوع پوشش به هنگام نماز خواندن، واجبات نماز یا روزه و... از برگ ۱۳۲ تا برگ ۳۰۶ (۱۷۴ برگ)، یعنی از مسئله ۷۲۷ تا مسئله ۱۷۵۰، دستور العمل وجود دارد، اگر از مسائل جنبی نماز مانند تیمم و غیر سخنی نگوئیم. مثلاً: "اگر انسان عمداً در نماز عورتش را نبوشاند، نمازش باطل است... (مسئله ۷۹۱) اگر کسی در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است، باید آن را ببوشاند... (مسئله ۷۹۲) دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد، اشکال ندارد (مسئله ۸۳۸)... بنابراین احتیاط مستحب باید زن عقبتر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقبتر باشد (مسئله ۸۸۶)... اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند، بهتر آن است که نماز را دوباره بخوانند (مسئله ۸۸۷)... سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، اما گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند (مسئله ۱۱۳۳)... اگر در بین نماز غذایی را که لای دندانها مانده فرو برد نمازش باطل نمی شود (مسئله ۱۱۵۵)... موقعی که انسان خوابش میاید و نیز موقع خودداری کردن از بول و غائط، مکروه است نماز بخواند (مسئله ۱۱۵۸)... نه چیز روزه را باطل می کند. اول خوردن و آشامیدن آب. دوم جماع. سوم استمناء. و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید... (مسئله ۱۵۷۲)... جماع روزه را باطل می کند، اگر چه فقط بمقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید (مسئله ۱۵۸۴)... اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمیشود. ولی کسیکه آلتش را بریده اند اگر کمتر از ختنه گاه را هم داخل کند روزه اش باطل میشود (مسئله ۱۵۸۵)... اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل میکند (مسئله ۱۶۴۵)... اگر مگس در گلوئی روزه دار برود، چنانچه بقدری پائین رود که بفرود بردن آن خوردن نمیگویند روزه او صحیح است... (مسئله ۱۶۴۹)... اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است (!؟، پ.د.) جماع نماید، یک کفاره بر او واجب میشود... (مسئله ۱۶۸۱)، و...". اینها تماماً تخصص هایی است که به هر کاری می آیند، مگر به کار کشورداری، آن هم در سده بیست و یکم.

نجاسات: "... نجاسات یازده چیز است: اول بول (ادرار) دوم غائط (مدفوع) سوم منی چهارم مردار پنجم خون ششم و هفتم سگ و خوک هشتم کفر نهم شراب دهم فحاح (آبجو) یازدهم عرق شتر نجاستخوار... (مسئله ۸۳).

سدها میلیون انسان در دنیا سگ دارند، خوک تامین کننده غذای میلیارها انسان در جهان است که بدون آن از گرسنگی خواهند مرد، میلیارها انسان در جهان آبجو و شراب می نوشند و خمینی تمام آنها را در ردیف ادرار و مدفوع می داند. و از همه بدتر دگراندیشان (کافر) نیز با ادرار و مدفوع و منی و خوک و سگ یکسان شمرده می شوند. کافری که در ردیف ادرار و مدفوع است، کیست و مجازاتش چیست؟

کافر یعنی کسیکه منکر خدا است، یا برای خدا شریک قرار می دهد، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء را قبول... ندارد، نجس است و همچنین اگر در یکی از اینها شک داشته باشد و نیز کسیکه ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین می دانند منکر شود، چنانچه بداند آنچه ضروری دین است و انکار آن چیز برگردد به انکار خدا یا توحید، یا نبوت، نجس می باشد" (مسئله ۱۰۶). "تمام بدن کافر حتماً مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است" (مسئله ۱۰۷). "اگر پدر و مادر و جد و جدّه بچه نابالغ کافر باشد آن بچه نجس است..." (مسئله ۱۰۸). "اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد نجس است" (مسئله ۱۱۰). خوب، تمام اهل سنت (نود درسد مسلمانان) به امامان شیعیان (به غیر از امام علی) دشنام می دهند و با آنان دشمنی دارند. یا پنج امامیان و هفت امامیان اصولاً سایر امامان را قبول ندارند. چرا آنها مانند ادرار و منی هستند؟ حدود پنج میلیارد انسان در جهان زندگی می کنند که اصولاً نه مسلمان هستند و نه اسلام را قبول دارند، چرا آنها در ردیف بول و غائط هستند؟

نگاه کنید که این "نمونه بی نظیر" (خمینی) چگونه می خواهد هر کس را که از "جنس" او نباشد به قتل برساند:

"...ارتداد عبارت است از خارج شدن از اسلام و پذیرفتن کفر، شخصی که از اسلام به کفر روی آورده مرتد نامیده می شود و آن بر دو قسم است:

"۱- مرتد فطری و آن کسی است که یکی از پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه اش مسلمان بوده و بعد از بلوغ اظهار اسلام کرده و آنگاه از اسلام خارج شده است.

۲- مرتد ملی و آن کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه وی کافر بوده و بعد از بلوغ اظهار کفر کرده و کافر اصلی شده سپس روی به اسلام آورده و بعداً به کفر بازگشت نموده است، مانند کسیکه اصلاً مسیحی بوده و مسلمان شده و سپس به مسیحیت بازگشت نماید... مرتد فطری اسلامش ظاهراً پذیرفته نیست، و در صورتیکه مرد باشد حکمش اعدام است، و چنانچه زن باشد محکوم به حبس ابد و زدن بهنگام نماز و تنگی در معیشت است. ولی توبه اش قابل قبول است و در صورت توبه از زندان آزاد می شود.

۳- مرتد ملی توبه داده می شود و در صورت امتناع از توبه اعدام می شود. و احوط این است که برای توبه سه روز به وی مهلت دهند، و در صورت امتناع روز چهارم وی را اعدام کنند.

۴- در حکم به ارتداد بلوغ، خرد، اختیار و قصد معتبر است.

۵- فرزند مسلمان یا مرتد چه ملی و چه فطری قبل از ارتداد پدر، مسلمان محسوب می شود و بنابر این اگر فرزند بالغ باشد و کفر را برگزیند، از وی خواسته می شود که توبه کند و (به اسلام بازگردد) وگرنه اعدام است". (۲).

دفن مسلمانان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمان جایز نیست (مسئله ۶۲۰)... مسلمان از کافر ارث میبرد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از او ارث نمیبرد" (مسئله ۲۷۸۳).

نگاه کنید که چگونه یک انسان، یک شهروند که گونه دیگری است، به دلیل داشتن دین و ایمانی به غیر از خمینی، نه تنها مورد تبعیض قرار می گیرد و از حقوق اجتماعی اش محروم می شود، بل حکم به مرگ او داده می شود. همه جا برتری مرد مسلمان شیعه دوازده امامی بر دیگران است. خمینی استاد آموزشهای سراسر تبعیضگرایانه است. آیا جامعه می تواند با اینگونه آموزه های دینی- اخلاقی در کنار هم در مدارا و روحیه برابری زندگی کند؟ او زنان را تحقیر می کند، تجاوز به کودکان، حتا به کودکان شیرخواره را مشروع می داند، پیروان سایر ادیان و مذاهب، حتا اهل سنت را انسانهای درجه دوم و سوم تا واجب القتل می شمارد. چنین اندیشه و افکاری یعنی ارتجاع و عقب ماندگی محض.

بنگرید امام خمینی، "مرجع مجاهد، زعیم اکبر، قائد اعظم، موسی زمان، در هم کوبنده ستمگران، بت شکن عصر، منجی نسل، ارواحنا فدا" در رابطه با همبستری (تجاوز شرعی- رسمی- قانونی) با دختران خردسال چه می گوید: "... اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند، و پیش از آنکه نه سال او تمام شود، با او نزدیکی کند و دخول کند، چنانچه او را افضا (پارگی دستگاه تناسلی زن، پ.د.) نماید هیچوقت نباید با او نزدیکی کند (مسئله ۲۴۱۰)... مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنید، حضرت صادق علیه السلام فرمودند یکی از سعادت‌های مرد آنستکه دخترش در خانه او حیض نیبند (مسئله ۲۴۵۹)... اگر کسی با زن نامحرمی بگمان اینکه عیال خود او است نزدیکی کند (!؟) چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند شوهرش میباشد، باید عده نگهدارد (مسئله ۲۵۳۶)..."

اگر کسی با زنی که می داند عیالش نیست زنا کند، چنانچه زن نداند (!؟) که مرد شوهر او نیست، بنابر احتیاط واجب باید عده نگهدارد" (مسئله ۲۵۳۷).

این چگونه روابط و مناسباتی میان زنان و مردان است که مردان به بستر زنان می روند، با آنها آمیزش می کنند و نمی دانند که آیا با همسران خود همبستری کرده اند یا خیر؟! یا بر عکس! آیت الله خمینی در باره روابط زن و مرد از جمله چنین می نویسد: "... مردان کارداران و سرپرستان بانوانند به سبب امتیازاتی که میان آنها (مانند شجاعت، سیاست و سخاوت) برقرار کرده و مردان از اموال خود انفاق می کنند، و گذشته از پرداخت مهریه تمام مخارج زن و خانواده به عهده مردان است. بنابراین، زنان نیکخو شوهران خود را فرمانبردارند و نگهدار عفت و پاکدامنی خود هستند. بسبب آنچه خداوند آنها را نگاه داشته و تفضل کرده است... زنانی را که نگران نشوز (سرکشی، پ.د.) و نافرمایشان هستند (در مرحله اول) پند و اندرز دهید، (چنانچه موثر نیفتاد در مرحله دوم) بستر خود را از آنان جدا کنید، و (چنانچه باز هم سودمند واقع نشد، در مرحله سوم) آنها را تنبیه کنید..." (۳).

چرا عقب ماندیم؟ برای آنکه فکر نکردیم و هنوز هم فکر نمی کنیم! در باره این "اندیشه ها" که سده ها حاکم بر پندار و گفتار و کردار "علما" بوده است، چه باید گفت؟ به کدام دره فقر فرهنگی- علمی سقوط کرده ایم که سروش چنین مرتجعی را "نمونه بی نظیری می داند که هیچ کس به لحاظ علمی به پایش" نمی رسد. آیا سروش نیز در همین سطح از شعور علمی- فرهنگی- سیاسی نشسته، اما زیرکانه چهره پنهان کرده است؟

به آموزه های خمینی نگاه کنید: مومنانی که ناقص العقل هستند و انسانی که خودمختاری و استقلالش بی معنا است. آموزه هایی که سراسر مبلغ تبعیض و نابرابری میان مسلمان و نامسلمان، میان شیعه و سنی، میان مرد و زن، میان مجتهد و مومن است. آموزه هایی که سراسر تبعیض و تحقیر و توهین به همه، از جمله به "کافران" یا به زنان به عنوان ملک مردان است که با آنها همه کار می توان کرد. زنانی که هرگونه حق آنها ابتدا با "اذن" (اجازه) مردان رسمیت می یابد، زنانی که پیش از نه سالی باید به خانه شوهر بروند، کودکانی که همبستری با (تجاوز به) آنها قانونا و رسما مجاز است و...، با این افکار و اندیشه های غرق شده در بول و غائط و جماع و کشتن دگراندیشان و... در کدامین راه پیشرفت و ترقی می خواهیم گام برداریم. و اکنون به این فقر فرهنگی- علمی، فقر سیاسی نیز افزوده شده است. و چه خوب گفت مارکس: بدترین فقر، فقر سیاسی است.

بی نظیری "آقای خمینی در حکومتداری، در بی نظیری او در ایجاد یک نظم استبداد کامل و تامگرای دینی و سلب" کامل حق حاکمیت از یک ملت است، در ترور دگراندیشان، در فرمان قتل عام زندانیان سیاسی، در شکستن قلم نویسندگان و آزاد اندیشان، در اسلامی کردن دانشکاهها و از میان بردن علم و پژوهش، در جنگ را نعمت خواندن، در اقتصاد را مال خر دانستن است. سروش هنوز نه معنای "علم" را فهمیده است و نه معنای حکومت مدرن و حکومتداری را.

منابع و پانویسها:

*فایل صوتی، سخنرانی در کالیفرنیا، ۲۰۱۹، دقیقه ۴۳ تا ۵۰، برگرفته از خبرنامه گویا، اول مارس ۲۰۱۹

۱- آنگونه که روی جلد کتاب آمده است، توضیح المسائل، امام خمینی، موسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹ تهران.

۲- امام خمینی، رساله نوین یا تحریر الوسیله، ترجمه و توضیح از عبدالکریم بی آزار شیرازی، موسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹.

۳- همانجا، تحریر الوسیله، فصل نهم، حقوق خانواده، برگ ۱۰۲

تماس با نویسنده:

Dastmalchip@gmail.com

+++++

برچیده کتابخانه ایران شناسی از اخبار روز، شنبه ۲-۳-۲۰۱۹ / ۱۱-۱۲-۱۳۹۷

<https://t.me/ketabxaneiranshenasi>

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=91843>